

## اهداف آمریکا از استقرار سپر دفاع ضد موشکی در اروپای شرقی

فرشاد رومی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۷/۱۳

تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۸/۷

صفحات مقاله: ۴۷-۷۷

### چکیده

در سال‌های اخیر ایالات متحده مرزهای دفاعی و حوزه‌ی امنیتی خود را کیلومترها دورتر از حوزه‌ی حاکمیت ملی‌اش تعریف کرده است و با توجه به داشتن داعیه‌ی هژمون جهانی در صدد گسترش حوزه‌ی نفوذ خود و محور نیروهای مخالف و قدرت‌های منطقه‌ای است. این سیاست دولت آمریکا سبب ظهور چالش‌هایی با حاکمیت ملی و منافع سایر کشورها شده و یکی از آخرین اقدامات آمریکا در راستای سیاست فوق طرح ایجاد سامانه‌ی دفاع ضد موشکی در اروپای شرقی است. گرچه بحث استقرار سیستم دفاع ضد موشکی دارای قدمتی طولانی است، با روی کار آمدن دولت جورج واکر بوش و حوادث ۱۱ سپتامبر و طرح این ایده که بازدارندگی هسته‌ای در عصر تروریسم کارایی ندارد بصورت جدی در دستور کار دولت آمریکا قرار گرفت. اکنون به نظر می‌رسد با برطرف شدن مسائل فنی و مالی طرح، قاعده‌ی بازدارندگی هسته‌ای و نظام موازنه‌ی وحشت که مدت طولانی بر مناسبات قدرت‌های اتمی جهان حاکم بود در حال برجیده شدن است و ایالات متحده در آستانه‌ی یک تفوق اتمی قرار گرفته است و این برتری می‌تواند آمریکا را بیش از گذشته به سمت سیاست‌های یک‌جانبه‌گرا و سلطه‌جویانه سوق دهد.

## کلید واژگان

پیشینه، کنترل تسلیحات، بازدارندگی، ۱۱ سپتامبر، تفوق اتمی

### مقدمه

فروریختن دیوار برلین در نوامبر ۱۹۸۹ و حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دو واقعه‌ی بزرگ اواخر قرن گذشته محسوب می‌شوند. اولین رخداد به معنای پایان جنگ سرد میان دو ابرقدرت و دومی آغازگر برهه‌ی جدیدی در فرافکنی قدرت نظامی ایالات متحده‌ی آمریکا به‌شمار می‌آید. در این میان بازسازی قابلیت‌های دفاعی و بازدارندگی ایالات متحده برای پاسخگویی به تهدیدات در حال ظهور یکی از اولویت‌های دولت آمریکا به‌شمار می‌رود و استقرار سیستم سپر دفاع موشکی مؤلفه‌ی ضروری این تلاش گسترده است.

اکنون ماه‌هاست شاهد برخورد و جنگ لفظی روسیه و جهان غرب درباره‌ی برنامه‌ی ایالات متحده برای استقرار سامانه‌ی دفاع ضد موشکی در اروپای شرقی هستیم که به عقیده‌ی بسیاری از کارشناسان می‌تواند هشدار می‌باشد بر آن‌که تفکر جنگ سرد دوباره در حال زنده شدن است. طرح سیستم دفاع موشکی در صدد است تا با استقرار یک سیستم ماهواره‌ای در فضا و پایگاه‌های رادار، ایستگاه‌های شنود و موشک‌های رهگیر در سراسر کره‌ی خاکی، ایالات متحده را قادر سازد موشک‌هایی که به سوی آن کشور و متحدانش شلیک شده، نابود سازد. در این راستا ایالات متحده قصد دارد ده موشک رهگیر برای دفاع در برابر موشک‌های دور برد در لهستان و یک رادار رد یاب در جمهوری چک مستقر نماید تا به قول خودش با خطر حملات موشکی از سوی کره‌ی شمالی و برخی کشورهای خاورمیانه مقابله کند.

استقرار سیستم دفاع ضد موشکی ایالات متحده در جمهوری چک و لهستان باعث واکنش شدید مقامات روسیه شده است. روس‌ها دلیل توجیهی آمریکا

برای استقرار این سیستم یعنی مقابله با تهدیدات موشکی ایران و کره‌ی شمالی را غیرواقعی ارزیابی کرده و معتقدند سیستم دفاع ضد موشکی جدیدترین گام در تجاوز نظامی تدریجی و نرم به مرزهای روسیه توسط ایالات متحده و متحدانش است که می‌تواند برای مقابله با توان موشک‌های بالستیک روسیه مورد استفاده قرار گیرد. در مقابل، مقامات آمریکایی این اظهارات را رد نموده و اظهار می‌دارند روسیه نباید هیچ‌گونه نگرانی بابت سپر دفاع ضد موشکی داشته باشد. این سیستم دفاعی صرفاً برای مقابله با موشک‌های بالستیک دولت‌های سرکش «rogue states» به کار خواهد رفت. آمریکایی‌ها مدعی هستند استقرار دفاع موشکی بالستیک صرفاً برای مقاصد تدافعی و فاقد امکانات تهاجمی است. این موشک‌های رهگیر هیچ‌گونه کلاهک قابل انفجار ندارند و برای حرکت و برخورد و انهدام کلاهک‌های تهاجمی، فقط به انرژی جنبشی متکی هستند. بی تردید اهمیت استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی برای ایالات متحده بسیار فراتر از ادعای مقامات این کشور مبنی بر مقابله با تهدیدات موشکی کشوری مانند ایران است. این مقاله می‌کوشد نیات واقعی دولت‌مردان آمریکا از استقرار این سیستم و تأثیرات آن بر امنیت بین‌الملل را تبیین کند.

#### تاریخچه‌ی استقرار سیستم دفاع ضد موشکی ایالات متحده

مجلس ملی فرانسه در یک گزارش در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۰۱ به بررسی پروژه‌های دفاع ضد موشکی آمریکا پرداخت. بر اساس این گزارش طرح مزبور بیش از آن‌که بر یک تحلیل استراتژیک تکیه کند بر نوعی «الهیات سیاسی» استوار است. این الهیات خاص از «وهم امنیت مطلق ایالات متحده» و «امپراتوری شرارت» نشأت می‌گرفت و فقط یک دولت را نشانه نرفته و بر مجموعه‌ی نسبتاً نامعینی از دولت‌ها یعنی اتحاد جماهیر شوروی سابق و روسیه‌ی کنونی، چین، کره‌ی شمالی، ایران، عراق و شاید فردا چند کشور دیگر دلالت می‌کرد.

بنابراین، ایده‌ی دفاع ضد موشکی از دوره‌ی دوم ریاست جمهوری بوش شروع نشده است. منشأ دغدغه‌های ایجاد یک سپر دفاع ضد موشکی به سال‌های ۱۹۵۰ میلادی بر می‌گردد. اطمینان آمریکاییان به رویین تنی سرزمین‌شان، به برکت جغرافیا، همیشه احساس امنیت به آنها بخشیده و تقدیرگرایی بانیان این کشور آمریکا را به صورت سرزمینی موعود جلوه داده است. از این دیدگاه، هر گونه تعرض به خاک آمریکا نه تنها یک گستاخی بلکه هتک حرمت به حریم آزادی محسوب می‌شود. کسی که مرتکب چنین اهانتی شود مقدسات را زیر پا گذاشته و مستحق عقوبت الهی است.

در واقع، تجهیزات هسته‌ای، شامل زیر دریایی‌های پرتاب کننده، موشک‌های بالستیک میان قاره‌ای و بمب افکن‌های استراتژیک، به طور مجازی به ایالات متحده این امکان را می‌دهد تمامی نقاط جهان را مورد هدف قرار بدهد. اما این توان تهاجمی چه ارزشی می‌تواند داشته باشد وقتی نتواند نفوذناپذیری ساحت ایالات متحده را تضمین کند؟ در سال ۱۹۵۷ با آگاهی نسبت به ضربه‌پذیری ایالات متحده، فکر دفاع ضد موشکی آمریکا پدید می‌آید. در آن تاریخ اولین اسپونیتیک اتحاد جماهیر شوروی سابق به دور زمین به گردش در آمد. آمریکای وحشت‌زده دیگر نمی‌توانست خود را جزیره‌ای دور از دسترس تصور کند. این موقعیت به شوروی این امکان را می‌داد خاک ایالات متحده را با موشک‌های بالستیک میان قاره‌ای هدف قرار دهد. (زاجس، ۲۰۰۷)

از آن به بعد دولت ایالات متحده به منظور دفاع و حفاظت از سرزمین آمریکا در مقابل موشک‌های دشمن طرح‌های مختلفی برای استقرار یک سیستم دفاع ضد موشکی مورد بررسی و آزمایش قرار داده و فرایندی پیچیده، پر هزینه و همراه با آزمون و خطا سپری نموده تا به مرحله‌ی کنونی برسد. در این مبحث به طور گذرا به برنامه‌های متنوع این کشور برای تحقق ایده‌ی سیستم دفاع ضد موشکی اشاره شده است.

۱۹۵۷: ایالات متحده نخستین تلاش عملی جهت دستیابی به یک سپر موشکی برای مقابله با موشک‌های بالستیک اتحاد جماهیر شوروی را با ایجاد سیستم «Nike - Zeus» آغاز نمود. کلاهک اتمی «Nike» می‌بایست در ارتفاع بالای ۱۰۰ کیلومتر (۶۰ مایل) موشک‌های بالستیک اتحاد جماهیر شوروی را رهگیری و در آسمان منفجر نماید. این پروژه گرچه امیدهایی برای حل مشکل تشخیص سریع و ردیابی موشک‌های متمرّد و خودسرانه به وجود آورد، اما به دلیل مشکلات فنی در سال ۱۹۶۱ متوقف شد.

۱۹۶۳: رابرت مک نامارا<sup>۱</sup> وزیر دفاع وقت آمریکا سیستم دفاع ضد موشکی «Sentinel» را به عنوان جانشین برنامه‌ی «Nike» معرفی نمود. این سیستم می‌بایست از تمام قاره‌ی آمریکای شمالی در مقابل حملات موشکی دفاع کند. سیستم «Sentinel» شامل موشک‌های دوربرد «Spartan missile» و موشک‌های با برد کوتاه «Sprint missile»، سیستم‌های رادار و رایانه‌ی مربوط به آنها بود. اما کارشناسان سیاسی و نظامی چند مشکل را برای این سیستم تشخیص دادند که عبارت بود از: ۱) تکنولوژی‌های موجود به طور کامل امکان دفاع در برابر یک حمله‌ی پیشرفته را نمی‌داد. ۲) استفاده از کلاهک‌های اتمی بر روی ضد موشک‌های رهگیر، نگرانی‌های سیاسی و عمومی از انفجار این کلاهک‌ها بر فراز قلمرو کشورهای دوست را موجب شد. ۳) استقرار این سیستم محدود ممکن بود محرک یک حمله‌ی اتمی پیش‌دستانه باشد قبل از آن‌که سیستم به طور کامل کاربردی شود.

۱۹۶۷: رابرت مک نامارا اعلام کرد به جای استقرار برنامه «Sentinel» یک نسخه‌ی محدودتر آن را به نام «Safeguard Program» برای دفاع از شهرهای

---

1 - Robert McNamara

ایالات متحده در مقابل حملات محدود کشورهایی مانند جمهوری خلق چین طراحی کرده است. پس از مدتی رشد فشار افکار عمومی منجر به تغییر اهداف این برنامه شد و به جای دفاع از شهروندان آمریکا با سلاح‌های اتمی، هدف برنامه‌ی Safeguard از سایت‌های پرتاب موشک‌های میان قاره‌ای عنوان شد. هرچند این برنامه برخی از مشکلات پیشین را به دلیل هزینه‌ی کم توسعه به‌خاطر پوشش جغرافیایی محدود، اجتناب از نگرانی‌های عمومی از انفجار کلاهک‌های دفاعی در حوالی زندگی شهروندان به دنبال نداشت اما هنوز مشکلات حل نشده‌ای باقی مانده بود. در مقابل، شوروی نیز به احداث آشیانه‌های دفاع ضد موشکی در حومه‌ی مسکو برای استقرار موشک‌های «گالوش» پرداخت. (Wikipedia.org)

چند سال بعد آمریکایی‌ها به دلیل سیاست‌های داخلی، تأمین بودجه و اثرپذیری، سیستم دفاع موشکی را رها نمودند، در حالی که سیستم مستقر شده در اطراف مسکو باقی ماند. در ژانویه‌ی ۱۹۷۶ کنگره به تعطیلی برنامه‌ی «safeguard» رأی داد و دونالد رامسفلد وزیر دفاع وقت پایان برنامه‌ی «safeguard» را اعلام نمود. در نتیجه، در اولین مسابقه‌ی تسلیحاتی، آمریکا مجبور به عقب‌نشینی شد. از آن پس آمریکا با بهبود موشک‌های میان قاره‌ای بر وزن تهاجمی سیاست موشکی خود افزود و بالطبع وجه دفاعی آن به حاشیه رانده شد (ایترنت، زاجس، ۲۰۰۷). در سال ۱۹۷۲ آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق معاهده‌ی منع تولید موشک‌های ضد موشک (ABM)<sup>۱</sup> را منعقد نمودند. در این معاهده استقرار سیستم دفاع موشکی در داخل خاک دو کشور ممنوع شد. هر دو مجاز به داشتن تنها یک سامانه‌ی ضد موشکی با حداکثر صد

---

1 - Anti Ballistic Missile

موشک رهگیر برای مقابله با موشک‌های بالستیک بودند. آمریکا این سامانه را در پایگاه هوایی (Grand Fork) در ایالت داکوتای جنوبی و روس‌ها در اطراف مسکو مستقر کردند. پیمان منع تولید موشک‌های ضد موشک شالوده‌ی توازن استراتژیک میان دو ابرقدرت شرق و غرب را پایه‌ریزی نمود، زیرا دو طرف را از دستیابی به توانایی ایمن‌سازی در مقابل حملات متقابل اتمی باز می‌داشت.

۱۹۸۳: در ۲۳ مارس ۱۹۸۳ رونالد ریگان برنامه‌ی جدید دفاع موشکی را اعلام نمود که رسماً «ابتکار دفاع استراتژیک»<sup>۱</sup> نامیده شد و به‌زودی به جنگ ستارگان ملقب گردید. ریگان هدف از این برنامه را حفاظت از آمریکا و متحدان آن کشور دانست. طرح ابتکار دفاع استراتژیک یک سیستم جامع را ارائه می‌داد که از آن پس می‌توانست به تهدید جنگ هسته‌ای پایان دهد. ابتکار دفاع استراتژیک از نظر فنی بسیار جاه‌طلبانه و از لحاظ اقتصادی خیلی پرهزینه بود. این برنامه پایگاه‌های فضایی و ایستگاه‌های نبرد لیزری برای رهگیری موشک‌های بالستیک قاره‌پیما را شامل می‌شد. برخلاف برنامه‌های پیشین هدف این طرح دفاع کامل در مقابل هرگونه حمله‌ی اتمی توسط اتحاد جماهیر شوروی بود. امکان اجرای طرح ابتکار دفاع استراتژیک در کنگره‌ی آمریکا و توسط دموکرات‌ها مورد بحث و تردید واقع شد، اما جمهوری خواهان درباره‌ی نیاز استراتژیک به آن سخن می‌گفتند و معتقد بودند با کمک کارشناسان فنی این طرح امکان‌پذیر است. سرانجام طرفداران طرح غالب شدند و در سال ۱۹۸۴ بودجه‌ی لازم برای این طرح در نظر گرفته شد. به عقیده‌ی برخی مفسران انگیزه‌ی پشت این کوشش تا حد زیادی سبب مسابقه‌ی تسلیحاتی و سرانجام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد شد. در سال ۱۹۸۷ بلندپروازی‌های طرح مورد بازنگری و از

---

1 - Strategic defence initiative

ابعادش کاسته و هدف به محافظت از سایت‌های پرتاب موشک هنگام نخستین ضربه‌ی روس‌ها خلاصه شد. (wikipedia.org) سرانجام ابتکار دفاع استراتژیک در دوران ریاست جمهوری جورج بوش پدر به سرعت قلب ماهیت پیدا کرد و در سال ۱۹۹۱ شاهد گسست با ایده‌های ریگان هستیم.

۱۹۹۱: پیمان استارت ۱ در جولای ۱۹۹۱ به منظور کاهش تسلیحات استراتژیکی تهاجمی میان شوروی و آمریکا امضاء شد. این پیمان دو کشور را موظف به کاهش تسلیحات هسته‌ای از ۱۰ هزار کلاهک برای هر یک از طرفین به ۶ هزار کلاهک می‌کند. مهلت این پیمان در دسامبر ۲۰۰۹ به پایان می‌رسد. در فوریه‌ی سال ۱۹۹۱ و در خلال جنگ نخست خلیج فارس عراق مبادرت به شلیک موشک‌های اسکاد روسی به چند کشور منطقه از جمله رژیم صهیونیستی نمود. ارتش آمریکا تلاش کرد با استفاده از سیستم ضد موشک پاتریوت موشک‌های عراقی را رهگیری نماید. با وجود گزارشات امیدوارکننده‌ی اولیه مطالعات بعدی نشان داد که تنها ۹ درصد موشک‌های پاتریوت به هدف اصابت نمودند. بعد از اتمام جنگ تلاش ملی بر مقابله با موشک‌های کوتاه‌بردی قرار گرفت که از سوی کشورهای شرور پرتاب می‌شود.

۱۹۹۳: بوش و یلتسین پیمان «استارت ۲» را امضاء نمودند. هدف این پیمان کاهش استقرار کلاهک‌های اتمی به ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ کلاهک برای طرفین بود. سال ۱۹۹۳ زمانی که بیل کلینتون به ریاست جمهوری رسید برنامه‌ی ابتکار دفاع استراتژیک دیگر منسوخ شده بود. اما در سال ۱۹۹۵ با پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات کنگره بار دیگر موضوع سپر دفاع ضد موشکی مطرح شد. کنگره قانونی را به تصویب رساند که دولت ایالات متحده می‌بایست



تا سال ۲۰۰۳ سیستم دفاع موشکی ملی را در خاک آمریکا مستقر سازد. کلینتون این قانون را با این استدلال که هیچ تهدید فوری و قابل ملاحظه‌ای برای توجیه استقرار سپر دفاع ضد موشکی وجود ندارد وتو کرد. در نهایت، با فشارهای مداوم کنگره در سال ۱۹۹۶ دولت تصمیم به اجرای یک برنامه تحت عنوان ۳+۳ گرفت که شامل استقرار یک سیستم دفاع ضد موشکی در دو مرحله‌ی ۳ ساله بود تا در صورتی که بعد از اجرای نخستین مرحله، تهدیدات امنیتی کشور را در معرض خطر قرار داد سیستم بر اساس فناوری روز توسعه و گسترش یابد. این برنامه بر این فرض استوار بود که حداقل ۳ سال زمان لازم است تا یک کشور متخصص با توان موشکی بالستیک بتواند ایالات متحده را مورد تهدید قرار دهد. از طرفی این برنامه از فشار جمهوری خواهان که خواستار ایجاد دفاع موشکی ملی بودند می‌کاست. به‌هرحال، دو رویداد در تابستان ۱۹۹۸ اساساً بحث دفاع موشکی را تغییر داد. نخست در ژولای ۱۹۹۸ یک کمیسیون پارلمانی به ریاست دونالد رامسفلد تشکیل و اعلام نمود خطر یک حمله با موشک‌های بالستیک توسط کشورهای دشمن زودتر از آنچه قبلاً پیش‌بینی می‌شد ممکن است رخ دهد. سپس در آگوست همان سال کره‌ی شمالی یک موشک به نام «Taepo – Dong 1» را برای قرار دادن یک ماهواره در جو زمین به فضا پرتاب نمود که دقیقاً از فراز خاک ژاپن عبور نمود. در کنار این اقدام آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان و آزمایش موشکی ایران به تحلیل کمیسیون رامسفلد اعتبار بخشید. سرانجام در ۱۹۹۹ قانون دفاع موشکی ملی با هدف استقرار یک سیستم دفاع موشکی محدود بر اساس مقدمات موجود توسط کلینتون امضاء شد. در سپتامبر ۲۰۰۰ کلینتون استقرار سیستم دفاع ضد موشکی را به‌دلیل مشکلات فنی و نگرانی متحدان و رقبای ایالات متحده متوقف و تصمیم به استقرار نهایی سیستم را به دولت بعدی واگذار نمود. (Lewis, et. al, 2006)

هنگامی که جورج واکر بوش به همراه گروهی از نو محافظه‌کاران و

راست‌گرایان مذهبی به قدرت رسیدند یکی از اهدافشان کنار گذاشتن سیاست خارجی انعطاف‌پذیری بود که از نیکسون تا کلینتون حکمفرما بود. از نظر این گروه آمریکا باید از قدرت ماشین نظامی عظیم خود ولو به‌طور یک‌جانبه برای تأمین منافع و امنیت ملی آن کشور و اشاعه‌ی فرهنگ لیبرال دموکراسی استفاده کند. جورج بوش با بهره‌برداری از موقعیت تازه خیز بلندی برای استقرار یک سیستم دفاعی محکم برداشت و از آن زمان به بعد گسترش جغرافیایی طرح برای بالا بردن احتمال متوقف نمودن موشک‌های دشمن در مرحله‌ی شلیک در دستور کار دولت آمریکا قرار گرفت. در دسامبر ۲۰۰۱ جورج بوش خروج یک‌جانبه از پیمان منع تولید موشک‌های ضد موشک بالستیک را اعلام کرد تا «طرح دفاع ملی موشکی» یا آن‌گونه که در رسانه‌ها با نام طرح سپر دفاع موشکی از آن یاد می‌شود را اجرا کند. کارشناسان سیستم دفاع موشکی طرح جورج بوش را «پسران جنگ ستارگان» ریگان نام گذاشته‌اند. با این حال فقط پیمان منع تولید موشک‌های ضد بالستیک قربانی تصمیم بوش نشد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در ۱۴ ژولای ۲۰۰۷ طی دستوری اجرای «پیمان نیروهای متعارف اروپا و پیمان‌های بین‌المللی مرتبط با آن» را برای روسیه به تعلیق درآورد و اعلام کرد روسیه دیگر به تعهدات خود در «پیمان نیروهای متعارف در اروپا» پایبند نخواهد بود. این پیمان در سال ۱۹۹۰ در پاریس توسط ۲۲ کشور عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و عضو پیمان ورشو با هدف کنترل تسلیحات امضا شد و در سال ۱۹۹۹ در استانبول اصلاح شد. طبق پیمان نیروهای متعارف، شمار تانک‌های زرهی، توپخانه سنگین و جنگنده‌های دو طرف از حد به‌خصوصی تجاوز نمی‌کرد. (خبرگزاری روسیه، ۱۳۸۶)

به‌هرحال، در جولای ۲۰۰۴ نخستین پایگاه زمینی دفاع ضد موشکی در منطقه‌ی Ft. Greely در آلاسکا مستقر شد. همچنین ۲ سیستم دفاع ضد موشکی نیز در پایگاه نیروی هوایی «Vendenberg» کالیفرنیا دایر گردید. از سال ۲۰۰۲

ایالات متحده برای استقرار یک سیستم دفاع میان برد ضد موشکی در پایگاه زمینی در حال گفت‌وگو با دولت‌های لهستان و چک بوده و تاکنون برای استقرار ۱۰ موشک رهگیر در آشیانه‌های زیرزمینی در لهستان به توافقاتی دست یافته و جمهوری چک با میزبانی رادار سپر موشکی در خاک خود موافقت نموده است. در سال ۲۰۰۱، آژانس دفاع موشکی آمریکا از مجموع ۳۴ شلیک آزمایشی ۲۶ مورد رهگیری موفق موشکی داشته است، و در دو سال اخیر از ۱۶ آزمایش پرواز، ۱۵ آزمایش موفقیت‌آمیز بوده است.

### روسیه و سیستم دفاع ضد موشکی

اختلاف نظر دولتمردان آمریکا و روسیه در ایجاد رژیم مشترک امنیتی موجب تشدید فضای جنگ سرد در روابط غرب با روسیه شده است. با انتخاب پوتین، ثبات نسبی در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور و مشخص تر شدن اهداف و عملکرد غرب و آمریکا در منطقه، سیاست خارجی روسیه وارد مرحله‌ی نوینی از ثبات همراه با اقتدار در تأمین منافع ملی و برخورد با رقبای خود شد، زیرا روسیه به‌عنوان وارث شوروی نمی‌خواست به‌عنوان یک شهروند عادی و به دور از بازی‌های ژئوپولیتیکی در نظام بین‌الملل دارای رفتاری انفعالی باشد. از نظر دولتمردان کرملین حوزه‌ی سستی اتحاد جماهیر شوروی اولین سنگر دفاعی برای حفظ امنیت ملی این کشور می‌باشد. روس‌ها نسبت به طرح سامانه‌ی دفاع ضد موشکی کاملاً بدگمان هستند و تمسک آمریکا به تهدیدات موشکی از سوی ایران را قبول ندارند. روسیه پیگیری سیستم دفاع ضد موشکی را تضعیف نظام بازدارندگی در جهان می‌داند که به ناامنی محیط بین‌المللی خواهد رسید. از این موضع طرح سپر دفاع موشکی یک مسابقه‌ی تسلیحاتی جدید همانند دوران جنگ سرد ارزیابی می‌شود که به دنبال کاهش ضربه‌ی تلافی‌جویانه از سایر کشورهاست. بنابراین، کشورهایی همچون چین و روسیه

برای افزایش توان دفاعی خود به سوی رقابت تسلیحاتی پیش خواهند رفت. مقامات روسی تصمیم آمریکا در زمینه استقرار سپر دفاع موشکی را اقدامی یک‌جانبه بدون توجه به منافع سایر کشورها می‌دانند که این خود رفتاری خارج از رژیم‌های بین‌المللی از سوی آمریکاست. دولتمردان روسیه استقرار سامانه‌ی دفاع موشکی در اروپای شرقی را به منزله‌ی ایجاد مرزبندی بین اروپا و روسیه از طرف آمریکا می‌دانند. از نظر مقامات روسی سپر دفاع موشکی و پذیرش احتمالی آن از سوی سایر کشورها به منزله‌ی مشروعیت بخشی به رفتارهای یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در سیاست جهانی است. اظهار نظر پوتین در کنفرانس مونیخ قابل توجه است که اعتقاد دارد «فقط تصمیماتی که در چارچوب سازمان ملل متحد اتخاذ می‌شوند جنبه‌ی قانونی دارند». پوتین با انتقاد صریح از سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا گفت «نباید سازمان ملل متحد را با ناتو و یا اتحادیه‌ی اروپا تعویض کرد.» (ملکی، ۱۳۸۶: ۷۷)

آنچه مسلم است تصمیم ایالات متحده به استقرار پایگاه دفاع ضد موشکی در دو کشور لهستان و جمهوری چک، روسیه را به طرف یک نقش تدافعی تر رانده و این کشور را در کنار مسائل دیگر چون گسترش ناتو به شرق اروپا با یک وضع دشوار مواجه نموده است. رهبران روسیه این ادعای واشنگتن که هدف اصلی ساخت و استقرار این سیستم را مقابله با برنامه‌های موشکی کره‌ی شمالی و ایران ذکر می‌کند، سرپوش گذاشتن بر نیت واقعی آمریکایی‌ها می‌دانند. هدف اصلی طرح از سوی ژنرال‌های روسی، روسیه و تغییر در توازن استراتژیک به نفع ایالات متحده ذکر شده است. به عقیده‌ی یوری بالوینسکی رئیس ستاد کل ارتش روسیه مسأله‌ی استقرار سیستم ضد موشکی آمریکا در چک و لهستان بخشی از سامانه‌ی فراگیر عملیات موشکی ارتش ایالات متحده است که پایگاه‌های هوایی آلاسکا، ایستگاه‌های ردیابی در بریتانیا و گرینلند، سیستم‌های سیار ضد موشکی در اروپای غربی و سفینه‌های فضایی جاسوسی را شامل می‌شود. زمانی که ایالات

متحده از پیمان «ABM» کنار کشید پیش‌بینی جنگ سرد دیگری می‌شد. زیرا پیمان «ABM» عامل اصلی در ثبات استراتژیک بین مسکو و واشنگتن تلقی می‌شد اما در شرایط جدید تعریف تازه‌ای از اوضاع امنیتی جهان در حال شکل‌گیری است که ممکن است همکاری پر خطری در مسائل هسته‌ای در سراسر جهان پدید آورد. (Granger, 2007)

آمریکا هم‌اکنون ۱۸ سیستم دفاع موشکی در اختیار دارد که از این میان ۱۶ سیستم در آلاسکا و دو سیستم دفاعی در کالیفرنیا مستقر هستند، اما مطابق برنامه‌ی جدید پنتاگون تا سال ۲۰۱۳ تعداد این سیستم‌ها باید به ۵۴ برسد: ۴۰ سیستم دفاع ضد موشکی در آلاسکا، ۴ سیستم در کالیفرنیا و ۱۰ سیستم در لهستان و این یعنی محاصره‌ی کامل روسیه.

در مجموع، ایالات متحده در اجرای این طرح سیاستی را در مقابل روسیه در پیش گرفته که مبتنی بر اقناع این کشور در خصمانه نبودن طرح سپر دفاع موشکی نسبت به روسیه توأم با عدم تغییر در اجرا و استقرار آن در شرق اروپاست. جورج بوش و سایر مقامات آمریکایی به دفعات اظهار داشته‌اند جنگ سرد به پایان رسیده و روسیه دلیلی برای هراس از سپر دفاع ضد موشکی آمریکا ندارد. سپر ضد موشکی آمریکا جنبه‌ی تدافعی دارد و هدف از آن دفاع از ملت‌های آزاد در مقابل حملات موشکی کشورهای یاغی است. از سوی دیگر، با توجه به عملکرد روسیه که در سال‌های اخیر با حذف ایدئولوژی و جایگزینی منافع ملی در سیاست خارجی خود یک سیاست انعطاف‌پذیر فرصت‌طلبانه را در پیش گرفته و در حوادث ابتدای قرن ۲۱ هم‌زمان با جنگ افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر سکوت اختیار کرده و در جنگ عراق و حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه صرفاً به اظهارات انتقادی مقامات خود بسنده کرد و در صدور قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ... شورای امنیت علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به اردوگاه متحدان آمریکا ملحق شد و حتی در برهه‌ای با ارائه‌ی

پیشنهاد استفاده‌ی مشترک از رادار پایگاه قبله در جمهوری آذربایجان در واقع ادعای آمریکا مبنی بر تهدیدات موشکی ایران را پذیرفت، می‌توان انتظار داشت که با وجود اظهارات تند مقامات روسی در شرایط کنونی چه بسا در پای میز مذاکره به دلیل استیلا‌ی استراتژی چندوجهی آمریکا بر رفتار سایر بازیگران بین‌المللی و به لحاظ عدم قدرت مقابله اجرایی با سامانه‌ی دفاع ضد موشکی، روسیه با اتخاذ سیاستی عملگرایانه و با دریافت چند مشوق سیاسی و اقتصادی در زمینه‌ی استقرار سپر دفاع ضد موشکی در اروپا نیز با ایالات متحده به مصالحه دست یابد. هر چند از زاویه‌ای دیگر می‌توان گفت روسیه باید در محاسبات خود میان ارتقاء دوباره به سوی جایگاه یک ابرقدرت و امتیازات صرفاً اقتصادی و سیاسی که اطمینان زیادی به تداوم آنها نیست دست به انتخاب بزند. لذا این احتمال هم وجود دارد این کشور که از شرایط بحران اقتصادی دهه‌ی پیش خود فاصله گرفته و جایگاه نسبتاً مناسبی در تولید انرژی کسب کرده و در ایجاد وابستگی میان خود و اتحادیه‌ی اروپا موفق بوده است و مهم‌تر آن‌که در این مجادله دیگر بحث دموکراسی و رعایت حقوق بشر در آن کشور مطرح نبوده و امنیت ملی روسیه در معرض تهدید است، از امتیازات صرفاً اقتصادی چشم‌پوشی کرده و بر مواضع خود پافشاری نماید. این‌که موضع نهایی روسیه معامله است یا مقابله و آیا در مقابل سیاست گام به گام آمریکا برای استیلا‌ی جهانی واکنش عملی و تهدیدآمیز از خود نشان خواهد داد یا خیر، می‌بایست منتظر آینده ماند.

### کنترل تسلیحات، بازدارندگی و سیستم دفاع ضد موشکی

ریچارد هاس در خصوص مناسبات بین قدرت‌های جهانی پس از جنگ سرد می‌نویسد نه سرزمینی برای جنگیدن بر سر آن وجود دارد و نه ایدئولوژی‌های ناهمگونی که تنور تعارضات میان این کشورها را گرم نگه دارد.

برخلاف قبل، دیگر «بازدارندگی» نقش اول را در روابط قدرت‌های بزرگ بازی نمی‌کند. دکتر هاس معتقد است که مفاهیم قدیمی «موازنه و توازن» هم دیگر کاربرد سابق را ندارند. برای مثال، بودجه‌ی نظامی آمریکا ۵۰۰ میلیارد دلار در سال است که معادل جمع بودجه‌های مشابه کشورهای روسیه، اتحادیه‌ی اروپا، ژاپن، چین و هندوستان می‌باشد. به‌علاوه، هیچ‌کدام از این قدرت‌ها نمی‌توانند با میزان «تحرک، کشندگی، و دقت» ابزارها و تسلیحات ایالات متحده رقابت کنند. (میرفخرایی، ۱۳۸۴) چنین شرایطی وزین بودن کفه‌ی ترازو به نفع ایالات متحده در مقایسه با دوران پس از جنگ سرد را نشان می‌دهد.

گرچه حامیان سپر دفاع موشکی در دولت ایالات متحده تأکید دارند سیستم از جنبه‌ی تهاجمی قابلیت چندانی نخواهد داشت اما تصریح می‌کنند سیستم دفاع ضد موشکی یک جنبه‌ی حیاتی و مهم از بازدارندگی معاصر است که می‌تواند موجب اطمینان و آسایش دارندگان آن شده و دولت‌هایی که برنامه‌ی تولید سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های قاره پیما را دنبال می‌کنند با تضعیف و تقلیل سودمندی نظامی اهدافشان، با دلسردی مواجه نماید. بنابراین، سرمایه‌گذاری ایالات متحده در زمینه‌ی سیستم‌های دفاع موشکی موجب خنثی شدن سیستم‌های مهاجم شده و دارای اثرات بازدارنده خواهد بود. بنابراین، کشورهایی که قصد توسعه و گسترش سیستم‌های موشکی تهاجمی را دارند با مشاهده‌ی سرمایه‌گذاری قابل اطمینان در این حوزه و استفاده از تکنولوژی مدرن در این سیستم‌های دفاعی، آگاه می‌شوند که ادامه‌ی فعالیت در زمینه‌ی توسعه‌ی سیستم‌های موشکی تهاجمی بیهوده و عبث خواهد بود. در این زمینه دانیل فراید، دستیار وزیر خارجه‌ی آمریکا، اظهار داشت: «صرف این موضوع که ایالات متحده با مشارکت متحدان خود در حال استقرار سیستم دفاع ضد موشکی است نه تنها به منزله‌ی بی‌توجهی به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیست، بلکه استقرار پوشش دفاع ضد موشکی می‌تواند به اقدامات منع گسترش کمک کند، زیرا دفاع ثمربخش در همان ابتدای حمله به کاهش انگیزه‌ی کشورهای

متخاصم برای کسب توان موشکی منجر می‌شود.“ (پورث، ژاکلین، ۲۰۰۷) در نتیجه، مقامات آمریکایی استقرار سیستم را در راستای منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی می‌دانند، زیرا به‌طور ضمنی به تولید کنندگان این سلاح‌ها تفهیم می‌کند از طریق موشک‌های بالستیک نخواهند توانست به مقاصد خود جامه‌ی عمل بپوشانند، سلاح‌های خود را مورد استفاده قرار دهند و بدین علت، این‌گونه قابلیت‌های خود را باید مورد تجدید نظر قرار دهند. از این رو دفاع موشکی، به منزله‌ی یکی از ابزارهای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، اهمیت زیادی دارد.

در مجموع، نومحافظه‌کاران دولت جورج بوش که آمریکا را یک قدرت خیراندیش قلمداد می‌کنند، معتقدند برتری کشورشان در عرصه‌ی جنگ‌افزارهای هسته‌ای و متعارف نسبت به تجاوزگری کشورهای متخاصم جنبه‌ی بازدارنده خواهد داشت و به صلح جهانی کمک خواهد کرد.

اما ژاک شیراک رئیس‌جمهور پیشین فرانسه در سخنانی تمثیل‌گونه و کنایه‌آمیز با اشاره به تاریخ پر کشمکش جهان معتقد است، مادامی‌که انسان‌ها مبادرت به جنگ و نزاع نمودند شاهد یک رقابت دائمی بین شمشیر و زره بوده‌ایم و در این میان پیروزی همیشه متعلق به شمشیر بوده است. به هر میزان که بر استحکام زره اضافه شده به همان نسبت هم بر سختی، بُرندگی و قتاله بودن شمشیر افزوده شده است. به عبارت دیگر، از دیدگاه شیراک همواره رقابت تنگاتنگی بین تولید جنگ‌افزارهای تهاجمی و تجهیزات تدافعی و مقابله‌کننده با آنها وجود داشته است و برآیند این عمل و عکس‌العمل مسابقه‌ی تسلیحاتی خواهد بود که در یک دور و تسلسل نامتناهی ادامه خواهد یافت. کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل نیز معتقد است فشارهای فزاینده‌ی برخی دولتمردان ایالات متحده برای استقرار سپر دفاع موشکی می‌تواند به یک رقابت تسلیحاتی جدید منجر شده و رژیم‌های کنونی کنترل تسلیحات و تلاش‌ها برای خلع سلاح اتمی را به عقب براند و انگیزه‌ی جدیدی برای تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در



برخی دولت‌ها خلق نمایند. (Swords&Shields) برای مثال، چین برای آن‌که بتواند عدم توازن نظامی خود با ایالات متحده را جبران و قادر به شکافتن سپر دفاع موشکی شود ممکن است به افزایش تعداد کلاهک‌های اتمی خود مبادرت ورزد و به تبع آن همسایه‌ی مهم چین یعنی هند جهت مقابله با تهدیدات ناشی از افزایش ذخایر هسته‌ای چین به تولید و انباشت این‌گونه جنگ‌افزارها دست خواهد زد و بدون تردید در چنین شرایطی پاکستان رقیب دیرینه‌ی هند نیز همین استراتژی را برخواهد گزید. پس برخلاف نظر هیأت حاکمه‌ی آمریکا باید گفت در این وضعیت سیستم دفاع ضد موشکی خود محرکی قوی برای گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در سراسر جهان خواهد بود.

از دیدگاه مفسران سیستم دفاع ضد موشکی مخاطرات جدیدی را به نمایش گذاشته و موازنه‌ی وحشتی را که بین ایالات متحده و سایر قدرت‌های هسته‌ای برقرار بود کنار خواهد زد و موافقتنامه‌های کنترل تسلیحات همچون پیمان «ABM» را تضعیف می‌نماید. موافقتنامه‌ای که به سنگ بنای امنیت جهانی توصیف شده است. در همین راستا ایگور ایوانف دبیر شورای عالی امنیت ملی روسیه در دیدار با همتای آمریکایی خود می‌گوید موارد و استدلال‌ها شما برای ما و اکثر دنیا قانع‌کننده نبود، ما نمی‌پذیریم که تهدیدهای بالقوه شرایطی را ایجاد کند که کل موضوع خلع سلاح به تدریج از بین برود. (نیوزویک، ۱۳۸۰: ۳۲)

در یک جمع‌بندی باید گفت سیستم دفاع ضد موشکی یک استراتژی پرخرج با ریسک بالا برای مقابله با تهدیدات موشک‌های بالستیک است. استقرار این سیستم ممکن است نتایج متضادی به دنبال داشته و دولت‌های رقیب ایالات متحده را به سمت تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، تولید و استقرار هرچه بیشتر موشک‌های قاره‌پیما جهت حفظ قدرت بازدارندگی و پتانسیل قهری‌شان سوق دهد تا بتوانند در شرایط اضطراری در این سپر دفاعی رخنه کنند. پر واضح است مؤثرترین شیوه برای ممانعت از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی تقویت

موافقتنامه‌های بین‌المللی منع گسترش و خلع سلاح است نه توسعه‌ی یک برنامه‌ی سؤال برانگیز از لحاظ هزینه و تکنولوژی. با اجرای موافقتنامه‌های کنترل تسلیحات و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ما شاهد مزایای امنیتی مستحکم برای همه‌ی کشورها خواهیم بود و در این شرایط است که همه‌ی کشورهای دنیا از امحاء سلاح‌های کشتار جمعی بهره‌مند خواهند شد. این ایده یک آرمان ایده‌آلیستی صرف نیست بلکه در بین همه‌ی رویکردها برای تأمین صلح و امنیت جهانی واقع‌بینانه‌ترین گزینه است.

### ۱۱ سپتامبر، تهدیدات نوین و سیستم دفاع ضد موشکی

وقایع ۱۱ سپتامبر نشان داد محیط امنیتی نسبت به گذشته پیچیده‌تر و غیرقابل پیش‌بینی شده است. امروزه جهان با تهدیدات رو به رشد سلاح‌های کشتار جمعی روبه‌رو است که در دستان بازیگران دولتی و غیر دولتی پراکنده است و گستره آن از تروریسم تا موشک‌های قاره‌پیما را در بر می‌گیرد. از دیدگاه رهبران ایالات متحده یکی از عوامل محرک دشمنان آمریکا برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های قاره‌پیما آن است که ایالات متحده و متحدانش فاقد یک سیستم دفاعی کارا در برابر این‌گونه تهدیدات هستند. اساساً تهدیدات موشکی کنونی با تهدیدات دوران جنگ سرد متفاوت و مستلزم رهیافت‌های نوین برای بازدارندگی و ابزارهای جدید برای دفاع است. در منطق استراتژیک پس از جنگ سرد وجود چنین تهدیداتی قابل لمس نبود. آمریکاییان معتقدند ما نمی‌توانیم تماماً بر قابلیت‌های تهاجمی برای دفاع از خود و پرهیز از خطر متکی شویم. در مقایسه با اتحاد جماهیر شوروی، رهبران کنونی تمایل بیشتری برای ریسک و خطرپذیری دارند. آنها به سلاح‌های کشتار جمعی به‌عنوان یک گزینه در کنار سایر گزینه‌ها می‌نگرند نه به‌عنوان آخرین ابزار و راه حل. استفاده از قدرت بازدارندگی در مقابل این تهدیدات دشوار است، چرا که

درک مشترک یا کانال ارتباطی قابل اطمینانی با این عناصر و دولت‌ها وجود ندارد. آمریکا باید ارزش توان موشکی آنها را به‌عنوان ابزارهای اخاذی و تجاوز کاهش داده و به آنان اطمینان دهیم که نمی‌توانند با تهدید به حملات موشکی از ما باج‌خواهی کنند. از این رو، چالش‌های نوین قرن ۲۱ ما را مجبور می‌سازد که در فکر و عمل به گونه‌ی دیگری رفتار نماییم. استقرار سیستم دفاع ضد موشکی یک عنصر ضروری از تلاش‌های ایالات متحده جهت ایجاد تحول در سیاست‌های دفاعی آن کشور برای رویارویی با تهدیدات جدید است. (Whitehouse, 2003)

طرفداران سپر دفاع موشکی استدلال می‌کنند یک ایران یا کره‌ی شمالی مسلح به موشک‌های بالستیک با کلاهک اتمی می‌تواند تهدیدی اساسی برای آمریکا و متحدانش باشد و این سپر آنها را از چنین تهدیداتی علیه دنیای غرب باز می‌دارد. جان رود که رهبری تیم مذاکره‌کننده با روسیه در گفت‌وگوهای مربوط به استقرار سیستم دفاع موشکی در جمهوری چک و لهستان را بر عهده دارد در این خصوص می‌گوید، برپایی این سیستم می‌تواند انگیزه‌ی ایران برای نخستین حمله را از بین ببرد، همچنان‌که این نگرانی ایالات متحده را نیز از بین می‌برد که در برابر یک حمله‌ی موشکی پیش‌دستانه غافلگیر شود. دولت ایالات متحده هزینه‌ها و خطرات برنامه‌ی دفاع ضد موشکی را به‌عنوان مقابله با حملات موشکی دولت‌های سرکش توجیه می‌نماید. از دیدگاه مقامات آمریکا دولت‌های متخاصم در ۵ تا ۱۰ سال آینده قادر خواهند شد با سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و اتمی خاک ایالات متحده را مورد هدف قرار دهند. آنها برای توجیه هزینه‌های سرسام‌آور استقرار این سیستم نزد افکار عمومی آمریکا به خسارات ناشی از حملات ۱۱ سپتامبر اشاره کرده و در این زمینه مدیر آژانس دفاع موشکی آمریکا می‌گوید: "ایالات متحده هم اکنون حدود صد میلیارد دلار در سیستم دفاع موشکی رهگیر، سرمایه‌گذاری کرده است. این سیستم در کالیفرنیا و آلاسکا مستقر است تا محافظی باشد در برابر موشک‌های

دوربرد قاره‌پیمایی که مبدأشان خاورمیانه و شرق آسیاست. "اُبرینگ تصریح می‌کند حتی اگر از حمله به یک شهر اروپایی یا آمریکایی جلوگیری شود این خود دلیلی است برای تصدیق سرمایه‌گذاری در سیستمی که ما انجام داده‌ایم. او در مقام مقایسه می‌گوید حملات تروریستی علیه شهر نیویورک در سال ۲۰۰۱، ۸۳ میلیارد دلار به شهر خسارت وارد کرد (پورث، ژاکلین، ۲۰۰۷) سندی برگر مشاور سابق امنیت ملی آمریکا نیز معتقد است همزمان با بی‌رقیب بودن قدرت آمریکا در دنیا، آسیب‌پذیری مردم آن کشور در برابر خطرات ناشی از تسلیحات کشتار جمعی بیشتر از هر زمان دیگر است. مقابله با آسیب‌پذیری ناشی از سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی به استراتژی جامع، جاه‌طلبانه و قوی نیاز دارد. این آینده‌نگری سبب خواهد شد هر دولت در حال ظهوری که توانایی تولید موشک‌های بالستیک را کسب می‌کند در برابر استفاده‌ی ایالات متحده از سلاح‌های متعارفش دارای قابلیت بازدارندگی هسته‌ای نشود. (برگر، ۱۳۸۰: ۱۰۰)

منتقدان سپر دفاع موشکی اظهار می‌کنند گرچه از لحاظ فنی این امکان وجود دارد که یک کشور متخاصم، آمریکا را مورد حمله‌ی موشکی قرار دهد اما این عمل برای کشور مهاجم با توجه به توانایی مقابله به مثل آمریکا با داشتن بیش از ۱۲ هزار کلاهک هسته‌ای یک خودکشی‌آنی به حساب می‌آید. به نظر می‌رسد رهبران کشورهای در حال ورود به باشگاه دارندگان تکنولوژی موشک‌های دور برد آن اندازه منطقی هستند که قدرت و موقعیت و منافع کشورشان را بر اثر یک حمله‌ی تلافی‌جویانه ایالات متحده نابود نسازند. از سوی دیگر، کاملاً بدیهی است که حتی اگر کامل‌ترین سیستم دفاع ضد موشکی استقرار یابد، در صورتی که تهاجم از نوع موشکی نباشد، کلیه‌ی اقدامات بی‌فایده خواهد بود. مرزها نفوذناپذیر نیستند و امکان تهاجم با سلاح‌های با تخریب بالا از طرق دیگر وجود دارد. دوران‌دیشی حکم می‌کند همه‌ی احتمالات را در نظر گرفت. (گفنی، ۲۰۰۷: ۱۳۸۰)

### اهداف آمریکا از استقرار سیستم دفاع ضد موشکی

آمریکا که به تازگی هتاکي پرل هاربور را در شعله‌های آتش هسته‌ای هیروشیما زدوده بود، از همان سال‌های ۱۹۵۰، با توجه به ظرفیت موشک‌های بالستیک هسته‌ای روس‌ها - و قابلیت اصابت‌شان به خاک آمریکا - این وضعیت را به صورت - یک انحراف از سرنوشت محتوم خود تحمل می‌کرد. دردناک‌ترین وجه این انحراف موقعیت بازدارندگی ناگزیری است که آمریکا در آن قرار دارد و مجبور است سیاست دفاعی خود را بر پایه‌ی اطمینان به نابودی متقابل که تصور می‌شود جلوی شروع فاجعه را بگیرد قرار دهد. معنای این احتجاج هسته‌ای فاسد، در ذهنیت آمریکایی‌ها، همانا انجام معاملات غیر قابل قبول با شر خواهد بود. نابودی تضمین‌شده‌ی متقابل که امنیت ایالات متحده را به ظرفیت عقلایی ماندن کرملین منوط می‌کند به دلایل اخلاقی غیر قابل پذیرش است. از این نیاز مابعدالطبیعی به تناسب بیشتر میان حمله و دفاع، ضرورت اکید دفاع ضد موشکی نتیجه می‌شود، یک اضطراب اخلاقی که روان - ذهن آمریکایی‌ها دائما بدان سو کشیده می‌شود. بوش در یک سخنرانی در سال ۲۰۰۰ و قبل از انتخاب شدنش، قصد خود مبنی بر کاهش تعداد موشک‌های هسته‌ای تهاجمی را این گونه توصیف می‌کند: "با کمترین میزان سازگاری با امنیت ملی ما". در همان سال، دونالد رامسفلد در سفر دور اروپا اعلام کرد که ادامه‌ی دفاع ضد موشکی «یک مسئله‌ی اخلاقی است» و نه تکنولوژیک. به این ترتیب، شروع بازنگری هسته‌ای توسط پرزیدنت بوش در آغاز اولین دوره‌ی ریاست جمهوری‌اش بیشتر به یک بررسی وجدان ملی است. گزارش پارلمانی فرانسه در سال ۲۰۰۱ با اشاره به نوعی «الهیات سیاسی» در بنیاد دفاع ضد موشکی آمریکا یکی از کلیدهای بحث را ارائه داد. الویت متافیزیکی قدرگرا در روان - ذهن آمریکاییان و تاریخ مکرر برنامه‌های دفاع موشکی از ۱۹۵۷ به بعد، این اندیشه را تقویت می‌کند که هیچ عاملی نمی‌تواند واشنگتن را از ادامه‌ی حرکتی که دگر بار به راه انداخته باز دارد. (زاجس، ۲۰۰۷)

از طرفی دیگر، با وجود گذشت نزدیک به دو دهه از فرو ریختن پایه‌های ابرقدرت شرق، هیچ‌گاه قاعده‌ای به‌جای موازنه‌ی قوا (نظام دوقطبی مبتنی بر موازنه‌ی وحشت) برای تعریف معادلات جاری سیاست بین‌الملل شکل نگرفت. تلاش یک‌جانبه‌ی آمریکا برای گسترش نفوذ و هژمونی‌اش در جهان، قدرت یافتن کشورهای چین و هند و اعتماد به نفس یافتن جهان اسلام، تلاش اتحادیه‌ی اروپا برای کاهش وابستگی‌اش به آمریکا و تشکیل یک قدرت سیاسی متحد و نهایتاً تلاش کشورهای مختلف برای ارتقا جایگاهشان در نظام بین‌الملل، روندهای موجود در روابط بین‌الملل طی این دو دهه را شکل داده‌اند. در این برهه آمریکایی‌ها سرمست از به زیر کشیدن ابرقدرت شرق بر کوس نظم نوین نواختند و بر طبل تک‌قطبی کوبیدند. این نظم در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی توسط دانشمندانی چون برژینسکی، مک لوهان، فوکویاما و هانتینگتون تئوریزه گردید. اما امروزه به‌کارگیری این تئوری‌ها در قالب سیاست نومحافظه کارانه در ایالات متحده‌ی آمریکا شرایط جدیدی در جهان پدید آورده است. طرح‌ها و سیاست‌هایی که آمریکا در جهان دنبال می‌نماید نشان می‌دهد که این ابرقدرت با اتکا به تفوق بی‌بدیل اقتصادی و نظامی‌اش همچنان به‌صورت یک‌جانبه در حال گسترش هژمونی‌اش در جهان است. (سنایی، ۱۳۸۶)

پس از پایان جنگ سرد و انحلال پیمان ورشو آمریکا برخلاف رویه‌ی موجود نه تنها نیروهای خود را از اروپای مرکزی خارج نساخت، بلکه به سمت شرق حرکت داد. روسیه این رفتار آمریکا را کسب پایگاه در حوزه‌ی حیات خلوت خود تلقی می‌کند و نقطه‌ی اوج این روند را برنامه‌ی استقرار سپر دفاع ضد موشکی در جمهوری‌های چک و لهستان می‌داند که منافع حیاتی روسیه را مورد هدف قرار داده است. این سیاست آمریکا برخلاف تفاسیر موجود در ادبیات بین‌المللی، تابع هیچ رژیم یا نظام منطقه‌ای دسته‌جمعی قرار نمی‌گیرد، اما آمریکایی‌ها این سیاست را مقابله با قدرت‌های سرکش در آینده ارزیابی می‌کنند

و خواهان همکاری همه‌ی کشورها برای مقابله با این تهدیدات احتمالی می‌باشد. به‌طور کلی، استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱ مبتنی بر مقابله با تهدیدات کوتاه‌مدت و بلندمدت از طرف قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای همچون چین و ایران است. کاخ سفید در سپتامبر ۲۰۰۲ سندی منتشر کرد که به موجب آن دولت اجازه می‌یافت در چارچوب جنگ پیشگیرانه اقدام به تجاوز نظامی علیه کشور هدف نماید. در این دکترین استفاده از سلاح اتمی در مواقع ضروری حتی علیه کشورهایی که این سلاح‌ها را در اختیار ندارند پیش‌بینی شده است. بنابراین، استقرار سیستم دفاع موشکی در مقیاس جهانی، از جمله استقرار دو سیستم در ایالت‌های آلاسکا و کالیفرنیا و یک سیستم در اروپای مرکزی بیانگر طراحی آمریکا برای مقابله با چالش‌های نوین در محیط استراتژیک جدید بوده و بدین ترتیب دوره‌ی صلح به کمک بازدارندگی رو به پایان است.

کارشناسان سیاسی و نظامی اهداف متنوعی برای استقرار سیستم دفاع ضد موشکی ایالات متحده بازگو کرده‌اند که در این جا به چند هدف واقع‌بینانه‌تر اشاره شده است.

در دو دهه‌ی اخیر، تحول مهمی در ترتیب و اولویت ابزارهای نفوذ بین‌المللی پدید آمد و مسائل اقتصادی و اقتصاد سیاسی اهمیت بسزایی یافته است. امروزه واژه‌ی قدرت بیشتر ناظر به توان اقتصادی ملت‌هاست. بدین‌سان، در ترتیب و اولویت‌بندی منافع و قدرت ملی و ابزارهای نفوذ جهانی، توان اقتصادی هر کشور مهم‌ترین جایگاه را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است. در دوران جنگ سرد با مطرح شدن استراتژی جنگ ستارگان از طرف ریگان رقابت بین دو ابرقدرت به سمت فناوری‌های جدید تغییر مسیر داد. اما این حوزه، عرصه‌ی رقابت مناسبی برای جامعه‌ی بسته‌ای چون شوروی نبود. اقتصاد دولتی و بی‌رمق و جامعه‌ای که شهروندان خود را تحت نظر داشت در عصر فناوری ارتباطات و اطلاعات با چالش‌های غیر قابل عبور مواجه ساخت.

اکنون برخی از تحلیلگران معتقدند آمریکا که احتمال احیای قدرت اقتصادی و سیاسی سنتی روسیه در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و اروپای شرقی را می‌دهد در صدد است با استقرار سامانه‌ی دفاعی در شرق اروپا که پیامد آن ورود ناخواسته‌ی روسیه به یک رقابت تسلیحاتی است، به تدریج بنیه‌ی اقتصادی روسیه را که در سال‌های اخیر روند رو به رشدی داشته تضعیف نماید. علاوه بر آن، تلاش برای جداسازی مناطق پیرامون روسیه از دامنه‌ی نفوذ مادی و معنوی آن کشور در کنار پروسه‌ی سیاسی انقلاب‌های مخملین می‌تواند از اهداف برنامه‌ی سپر دفاع ضد موشکی باشد. (ملکی، همان)

طرفداران سپر دفاع موشکی استدلال می‌کنند برخی دولت‌ها ممکن است در آینده مسلح به موشک‌های دوربرد با کلاهک اتمی شوند که می‌تواند منافع آمریکا را تهدید و امنیت کشور را به مخاطره اندازد. پس این سپر آنها را از چنین تهدیداتی باز می‌دارد و سبب می‌شود کشوری که به موشک‌های بالستیک دست می‌یابد نتواند در مقابل استفاده‌ی آمریکا از سلاح‌های متعارفش صاحب بازدارندگی هسته‌ای شوند.

عده‌ای از حامیان سپر دفاع موشکی با اشاره به سیاست‌ها و عملکرد یک جانبه‌ی آمریکا در سطح جهان خاطرنشان می‌کنند خسارات مصیبت بار انفجار تنها یک کلاهک اتمی می‌تواند توجیه‌کننده‌ی استقرار سیستم دفاع ضد موشکی باشد، هرچند آن سیستم اثرگذاری اندکی داشته باشد. به عبارت دیگر، هنگامی که صدها هزار انسان در معرض خطر باشند پیش‌بینی هرگونه اقدام دفاعی ممکن بهتر از نبود آن است.

دولتمردان آمریکا هدف اصلی استقرار سامانه‌ی دفاع موشکی در اروپای شرقی را مقابله با حملات موشکی دولت‌های متخاصم به‌ویژه ایران عنوان می‌کنند. مقامات آمریکایی ادعا می‌کنند ایران تا سال ۲۰۱۵ به تکنولوژی موشک‌های دوربرد دست خواهد یافت که می‌تواند کشورهای اروپایی و قاره‌ی



آمریکا را مورد هدف قرار دهند و حداکثر تلاش خود را به کار برده‌اند تا از جمهوری اسلامی ایران چهره‌ای هراسناک و تهدیدگر صلح و امنیت جهانی ترسیم کنند. این اقدام در واقع برای همراه ساختن دیگر کشورها با ایالات متحده برای موضع‌گیری و انجام اقدامات شدید در قبال ایران صورت می‌گیرد. این در حالی است که مقامات ایرانی بارها اعلام کرده‌اند توسعه‌ی سیستم‌های موشکی ایران به‌عنوان اقدامی دفاعی مد نظر است. (میرطاهر، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۴) ضمن آن‌که توان موشکی ایران بسیار کمتر از آن است که آمریکایی‌ها وانمود می‌کنند. آمریکا هم‌اکنون هم با صدها کلاهک اتمی و جنگ‌افزارهای فوق پیشرفته می‌تواند بر این خطرات فائق آید.

و سرانجام باید گفت طی جنگ سرد «وحشت اتمی» ثبات و صلح نسبی در جهان برقرار کرده و احتیاط جدی در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل پدید آورده بود و مانع تشویق استفاده از تهدید اتمی برای حل اختلافات میان قدرت‌ها می‌شد. از دیدگاه نومحافظه‌کاران کاخ سفید بازدارندگی وحشت خوشایند نبود و کشور در مقابل حملات هسته‌ای آسیب‌پذیر بود. اما در شرایط حاضر با ارتقاء و استقرار سپر دفاع موشکی به‌نظر می‌رسد ایالات متحده برای نخستین‌بار در آستانه‌ی تفوق اتمی قرار داشته و در آینده‌ی نزدیک این امکان فراهم می‌شود در یک حمله‌ی هسته‌ای پیش‌دستانه موشک‌های اتمی دشمنان را نابود سازد، بدون آن‌که خود آسیب ببیند. در استراتژی امنیت ملی دولت بوش در سال ۲۰۰۲ به صراحت اشاره شده که ایالات متحده در تمام ابعاد تکنولوژی نظامی مدرن در پی تفوق است. سیاست دستیابی به تفوق اتمی کمک می‌کند تا برنامه‌ی دفاع موشکی آن درک گردد. به‌عبارتی، اگر واشنگتن باور داشته باشد که چنین برتری لازمه‌ی امنیت اش است در آن صورت ارزش و فایده‌ی تفوق اتمی بر خطرات آن رجحان دارد. (A.Lieber & G.press,2006)

کاندولیزا رایس وزیر خارجه‌ی ایالات متحده در مصاحبه‌ی خود با دیلی

تلگراف می‌گوید منطق نابودی حتمی متقابل جنگ سرد در محیط استراتژیک امروزی معنی خود را از دست داده و امروز ما در پی چیزی بیش از این منطق شوم هستیم که قادر به نابودی آنهایی هستیم که توان نابودی ما را دارند. هدف ما از این سیستم دفاع از ایالات متحده و متحدانش در جامعه‌ی فرا آتلانتیکی است. چون امنیت ما قابل تفکیک نیست. اگر متحدان ما امن نباشند آمریکا هم امن نیست. (Rice, 2007)

### نتیجه‌گیری

زمانی که در اوایل حکومت جورج بوش، ایالات متحده از پیمان موشک‌های ضد موشک عقب کشید پیش‌بینی یک جنگ سرد دیگر می‌شد. پیمان «ABM» به‌عنوان یک فاکتور مهم در ثبات راهبردی بین دو ابرقدرت ایفای نقش می‌نمود. اما اکنون با رژیم کنترل تسلیحات که در دوران جنگ سرد محاسبات استراتژیک مسکو و واشنگتن را به هم پیوند می‌داد و با مطرح شدن بحث استقرار سپر دفاع موشکی تضعیف‌شده سبب بغرنج شدن اوضاع امنیتی و همکاری پرخطر در مسائل هسته‌ای جهان گردیده است.

در نقد برنامه‌ی دفاع ضد موشکی ایالات متحده باید خاطر نشان کرد آمریکا نسبت به آینده‌ی روسیه و ظهور چالش‌های جدید به‌شدت نگران است و استقرار سیستم دفاع ضد موشکی را یک اقدام بازدارنده و احتیاط‌آمیز تلقی می‌کند. از سوی دیگر، باید به موضع‌گیری مقامات روسیه به‌عنوان مهم‌ترین کشوری که از استقرار این سیستم احساس خطر نموده اشاره کرد. در یک براینده کلی برای مسکو جذب کشورهای عضو سابق پیمان ورشو در سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا، دعوت به مبارزه است. این مبارزه طلبی، همان‌قدر گستاخانه است که توسعه‌ی ناتو از طریق کشورهای اتحاد شوروی سابق. هیچ‌یک از دولتمردان ایالات متحده هم به این پرسش روسیه پاسخ نمی‌دهند که چرا ایران باید در

لهستان متوقف شود؟ تهران هیچ وقت اروپا را تهدید نکرده، اگر آمریکا واقعاً نگران توسعه‌ی برنامه‌ی موشکی ایران است، چرا سیستم دفاع ضد موشکی خود را در اسرائیل مستقر نمی‌کند؟ در پس تعارفات موجود از جانب کاخ سفید تردیدی نیست یکی از اهداف اصلی آمریکا از ایجاد سامانه‌ی دفاع موشکی در چک و لهستان مقابله با روسیه و کاهش بیشتر نفوذ این کشور در اروپای شرقی و آسیای مرکزی و قفقاز است. در کنار مسأله‌ی دفاع ضد موشکی آمریکا، پیوستن اقمار شوروی سابق به ناتو، آینده‌ی کوزوو، التزام به معاهدات بین‌المللی و دوجانبه و برنامه‌ی هسته‌ای ایران از جمله موارد اختلاف روسیه و آمریکا به‌شمار می‌آیند. موضع‌گیری مقامات آمریکایی در قبال موارد فوق‌الذکر موجب به‌وجود آمدن این تفکر در روسیه شده است که مناسبات نظامی و امنیتی آمریکا با روسیه کاملاً شبیه مناسبات دوره‌ی شوروی و جنگ سرد است. اما آنچه مشخص است تجزیه و تضعیف بیش از حد روسیه به سود ایالات متحده و امنیت جهان نخواهد بود، به‌ویژه‌ی آن‌که به موازات تضعیف و تجزیه‌ی این کشور، قدرت کنترل و نظارت مسکو بر سلاح‌های ویژه کشتار جمعی که در اختیار آن کشور است کاهش می‌یابد. کاهش بیش از حد قدرت اقتصادی روسیه منجر به فروش سلاح‌ها و تجهیزات اتمی آن کشور به دیگر کشورهای جهان به‌ویژه رقیبان ایالات متحده خواهد شد که در نهایت امنیت و منافع حیاتی آمریکا در جهان را به خطر خواهد انداخت و محدودیت‌ها و موانع جدی در راه تأمین منافع جهانی ایالات متحده به وجود خواهد آورد. لذا مسلم است که به دلایل ژئواستراتژیک، آمریکا ضمن تلاش برای ممانعت از احیای امپراتوری شوروی سابق باید در بسیاری از مسائل جهانی به‌دلیل وجود منافع مشترک با روسیه همکاری نماید و البته اگر چنین هم نشود، لزوماً رقیب و دشمن یکدیگر نخواهند بود. آگاهی و شناخت چنین تفکری در روابط این دو کشور می‌تواند راه‌گشای خیلی از تصمیم‌گیری‌ها برای کشورهای ثالث همچون ایران باشد.

از طرفی، آمریکا با طرح مکرر تهدیدات موشکی ایران و با ارائه‌ی تصویری تهدیدآمیز از کشورمان در افکار عمومی جهان غرب تلاش می‌کند تا با پنهان نمودن اهداف اصلی سیستم دفاع ضد موشکی و کاهش حساسیت روسیه، اختلافات خود با ایران را امنیتی نموده و اجماع جامعه‌ی جهانی برای اعمال فشار بیشتر بر ایران را محقق سازد. صاحب‌نظران معتقدند آمریکا در آینده ممکن است توسط سلاح‌های کشتار جمعی مورد حمله قرار گیرد اما این سلاح‌ها توسط کشورهای مخالف آمریکا و به‌وسیله‌ی موشک‌های بالستیک پرتاب نخواهد شد، زیرا که این کشورها از سرنوشت محتوم خود در برابر واکنش تلافی‌جویانه‌ی آمریکا باخبرند. ضمناً راه‌های کم‌هزینه‌تر، قابل اطمینان‌تر و دقیق‌تری وجود دارد. در شرایط کنونی آمریکا باید از یک بمب داخل چمدان بیشتر از یک کشور یاغی هراس داشته باشد. تروریست‌ها قادرند به سهولت سلاح‌های میکروبی، هسته‌ای و شیمیایی را از کانال‌های متعدد به درون آمریکا انتقال دهند.

همچنین نباید فراموش کرد که استقرار این سیستم، موافقتنامه‌های کنترل و کاهش تسلیحات را دچار خدشه نموده و موازنه‌ی راهبردی موجود در نظام بین‌الملل را سست خواهد کرد. گرچه دولت آمریکا سیستم دفاع ضد موشکی را یک تاکتیک دفاعی وانمود می‌کند، سایر قدرت‌های اتمی مانند روسیه و چین این سیستم را یک ابتکار تهاجمی تلقی کرده که می‌تواند موجب تقویت زرادخانه‌های هسته‌ای این کشورها برای مقابله با سپر ضد موشکی آمریکا شود. شواهد نشان می‌دهد برنامه‌های نظامی آمریکا به منظور خلع سلاح کشورهای روسیه و چین طراحی می‌شود و برتری اتمی واشنگتن در عرصه‌ی بین‌المللی کاملاً با سیاست توسعه‌ی سیطره‌ی جهانی آمریکا مطابقت دارد.

در پایان باید یادآوری نمود که سیستم دفاع ضد موشکی می‌تواند ابزاری برای تسلط نظامی کامل آمریکا بر زمین، دریا، و هوا فضا باشد. پیشرفت نظامی

در فضا یک عنصر اساسی در جنگ‌های مدرن است. جنگ ستارگان دیگر یک افسانه نیست. فضا امروز بیشتر از قبل میلیتاریزه می‌شود و دفاع موشکی یک گام بزرگ در این جهت است. به قول شاعر «زمین را گر شوی مالک طمع بر آسمان داری.» ایالات متحده تلاش دارد در تداوم سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه‌ی خود نوعی قابلیت بازدارندگی و پیش‌دستی راهبردی نسبت به رقیب دیرینه‌ی خود به‌دست آورد و ماحصل این عمل ظهور یک آمریکای لاقید و لگام‌گسیخته است که می‌تواند برای صلح‌طلبان عالم نگران‌کننده باشد، زیرا که تفوق اتمی می‌تواند آمریکا را برای رفتارهای تجاوزگرانه بیش از پیش اغواء کند.

### منابع

- ۱ - اس.پورث، ژاکلین، در: <http://usinfo.state.gov/xarchives/display,2001.htm>.
- ۲ - برگر، سندی، آیا سیر دفاع ضد موشکی لازم است؟، ترجمه محمد رضا نیله چی، نگاه، سال دوم، شماره ۱۳ و ۱۴، تیر و مرداد ۸۰.
- ۳ - خبرگزاری روسیه، "پوتین: پیمان نیروهای متعارف در اروپا با واقعیت‌های جهان مغایر است"، ۸۶/۵/۴، در: [http://www.russiannews.ru/pers2/print\\_news.php?news\\_id=24054](http://www.russiannews.ru/pers2/print_news.php?news_id=24054).
- ۴ - زاجس، اولیور، "دغدغه‌های ضد موشکی آمریکا گونه‌ای «الهیات سیاسی»" لوموند دیپلماتیک، ژوئیه ۲۰۰۷: در [http://ir.monediplo.com/imprimer.php3?id\\_article=1132](http://ir.monediplo.com/imprimer.php3?id_article=1132).
- ۵ - سنایی، مهدی، "طرح سامانه دفاع موشکی آمریکا و واکنش روسیه"، در: [http://www.iras.ir/Default\\_view.asp?@=5135,1386](http://www.iras.ir/Default_view.asp?@=5135,1386).
- ۶ - گفنی، فرانک جی، منتقدان سیاست دفاع موشکی دولت بوش، ترجمه سیدرضا پرینچی، مطالعات منطقه‌ای، جلد هشتم، ۱۳۸۰.
- ۷ - ملکی، مصطفی، سپر دفاع موشکی و شکاف در رژیم امنیتی، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۲۰، آذر ۸۶.
- ۸ - میر طاهر، سید رضا، "استقرار سپر دفاع موشکی ایالات متحده در اروپا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران"، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال پنجم، تیرماه ۸۶.
- ۹ - میرفخرائی، هوشمند "معرفی کتاب فرصت"، واشنگتن پریم، شماره سی و سوم، جمعه چهارم آذر ماه ۱۳۸۴، در: Richard N.Hass "*Opportunity: America's Moment to Alter History, Public Affairs*", N.Y., 2005

- ۱۰ - نیوزویک، "آمریکا و طرح سیستم دفاع موشکی"، ترجمه ف. دری، ترجمان سیاسی، سال ششم، خرداد ۸۰.
- 11 - A. lieber, keir & G.press, Daryl "**The Rise of U.S. Nuclear Primacy**" Foreign Affairs, March/April, 2006 , at: <http://nikobad.blogfa.com/post-39.aspx>.
- 12 - Granger ,Greg "**Russian reaction to U.S. foreign policy : an emerging security dilemma**".April 23, 2007 , at : [www.American.diplomacy.org](http://www.American.diplomacy.org) .
- 13 - "**History of national missile defense system**" , at : [http://en.wikipedia.org/wiki/national\\_missile\\_defence](http://en.wikipedia.org/wiki/national_missile_defence).
- 14 - Lewis George, Lisbeth Gronlund, and David Wright "**An Analysis of the Proposed US NMD System**", at :[http://www.ucsusa.org/global security/missile\\_defense/us-ballistic-missile-defense-timeline-1945-2001.html](http://www.ucsusa.org/global_security/missile_defense/us-ballistic-missile-defense-timeline-1945-2001.html).
- 15 - "**National Policy on Ballistic Missile Defense Fact Sheet**" . signed: GEORGE W. BUSH , May 20, 2003. at :<http://www.whitehouse.gov/news/releases/2003/05/20030520-15.html>.
- 16 - Rice, Condoleezza, "**the West needs a defence system that works**" Daily telegraph, April 26, 2007, at: <http://www.state.gov/secretary/rm/2007/apr/83862.htm>
- 17 - S. Porth , Jacquelyn "**U.S., NATO Countries Agree on Need to Maintain Defense Linkage**" April 20 , 2007 , at: <http://usinfo.state.gov/xarchives/display.html?p=washfileenglish&y=2007&april&x=20070420143255sjhtrop0.1070673>.
- 18 - "**Swords and Shields - An Introduction to Missile Defence**" at <http://cndyorks.gn.apc.org/md/intro.html>.

